

چرا گرگدن مو نداشت



✎ Basilio Gimo, David Ker

☑ Carol Liddiment

📖 Abdul Rahim Ahmad Parwani (Darakht-

e Danesh Library)

|| 2

🗨️ دري srd



**Global Storybooks**

[globalstorybooks.net](http://globalstorybooks.net)

چرا گرگدن مو نداشت

✎ Basilio Gimo, David Ker

☑ Carol Liddiment

📖 Abdul Rahim Ahmad Parwani (Darakht-

e Danesh Library)



This work is licensed under a Creative Commons

[Attribution 3.0 International License.](https://creativecommons.org/licenses/by/3.0)

<https://creativecommons.org/licenses/by/3.0>

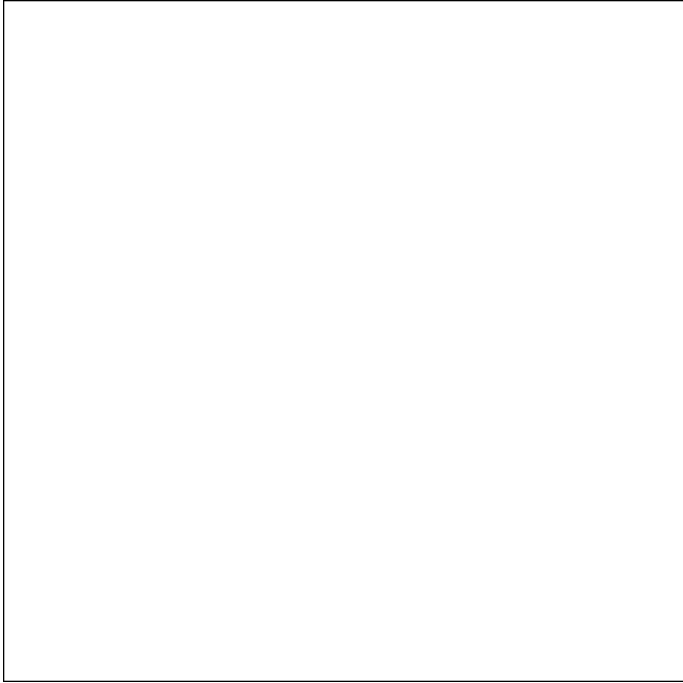




پک روز، خَرگوش کِنارِ رودخانه راه  
می رَفت.

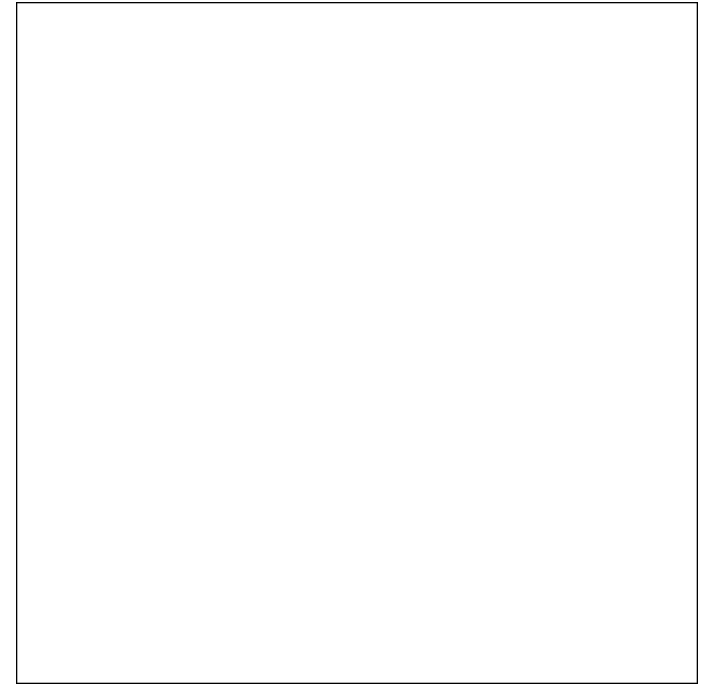
عَافٍ سَبْرًا تَبْتَغُوا بِهَا نَوَافِلًا.

کَرِهْتَ لِمَا هُوَ بِرَأْسِ عَقَلِكُمْ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ



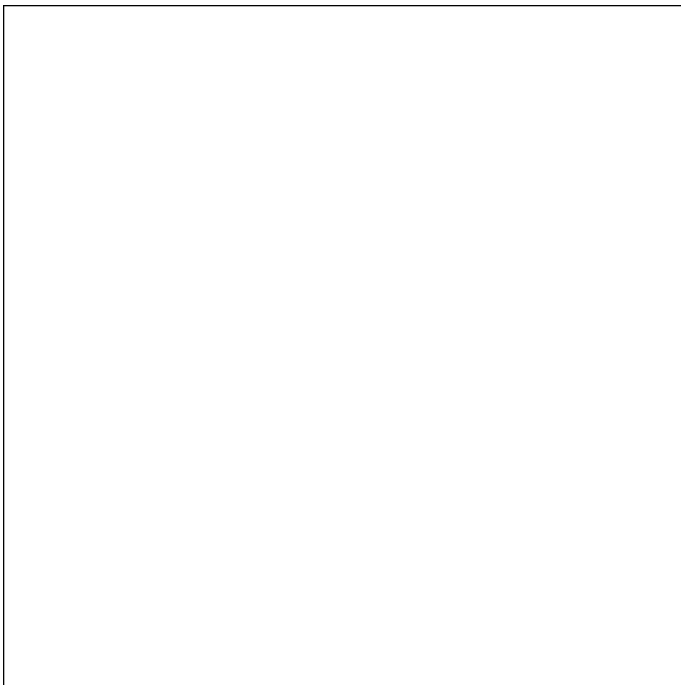


گرگدن، خرگوشی را که آنجا بود ندید و  
تصادفاً روی پای خرگوش پا گذاشت.  
خرگوش شروع به چیغ زدن کرد و گفت،  
“هی گرگدن! نمی بینی که روی پای من  
ایستاده‌ای؟”

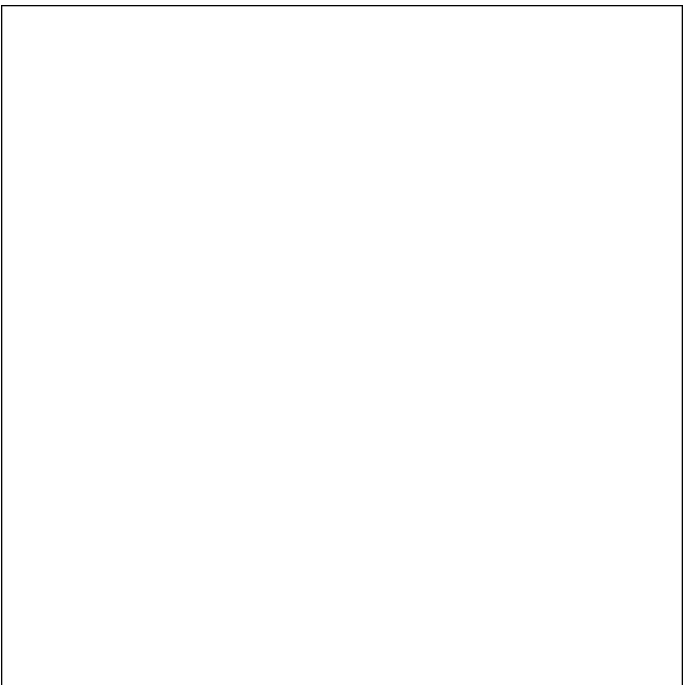


خرگوش خوشحال بود از اینکه موهلی  
گرگدن سوخته بود و تا امروز کرگدن به  
خاطر ترس از آتش، هیچوقت دورتر از آن  
رودخانه نرفته است.

“من كنده شده ام! قشنگان!”  
 موهی من در آتش سوخت! همه ی موهی  
 کردنی به گریه کردنش ادامه داد و گفت،  
 نوتد. موهی با آتش سوخته بود.  
 کردنی شروع به گریه کرد و به سمت آن

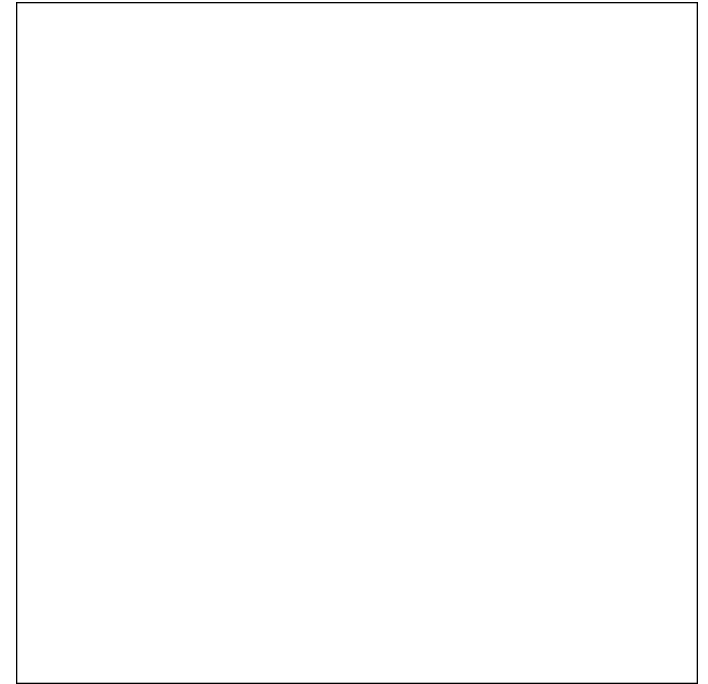


“کرت را پس بدهی.”  
 روز، پشیمان جوان شد تا تو نایب او این  
 روز و گفت “تو قصداً این کار را کردی! یک  
 خرگوش، گوش نمی داد و سر کردنی چیت  
 جوانش می گم من را ببخش!” ولی  
 خجلی می تاسف هستم. من تو را ندیدم.  
 کردنی از خرگوش عذرخواهی کرد، “من





خَرگوش رَفَت تا آتَش پيدا كُرد و به او  
گُفت، “بُرو، وَقتی كِه گرگَدَن از آب بيرون  
آمَد تا عَلف پِخورد، او را پِسوزان. او روي  
پای مَن پا گذاشت!” آتَش پاسُخ داد، “هيچ  
مُشكلی نيست، خَرگوش جان، دوستِ مَن،  
مَن آنچه را كِه تو خواستی انجام مي\_دَهَم.”



بَعداً، گرگَدَن وَقتی دور از رودخانه عَلف  
می خورد ناگهان، آتَش او را فِرا گِرِفت.  
آتَش زبانه كِشيد. شُعله هاي آتَش شُروع به  
سوزاندنِ موهاي گرگَدَن كردند.